





منصور وحیدی:

## مترو کرج تا ۶ سال آینده هم آماده نخواهد شد!

نایب رئیس شورای شهر کرج با اشاره به دو پروژه مهم مترو و کمربند شمالی کرج گفت: به نظر نمی‌رسد مترو تا شش سال آینده و کمربند شمالی تا پایان عمر شورای پنجم به بهره‌برداری برسد.

به گزارش «دنیای هوادار»، منصور وحیدی در صد و بیست و سومین جلسه شورای شهر کرج که امروز یکشنبه ۱۴ بهمن برگزار شد با اشاره به بخشی از دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی، اظهار کرد: متأسفانه طی چهار دهه گذشته دستاوردهای انقلاب آن طور که باید و شاید به مردم شناسانده نشده است.

وی توضیح داد: با پیروزی انقلاب بسیاری از خواسته‌ها و مطالبات مردمی محقق شده و امروز مردم با آرامش و بدون سایه استبداد روزگار می‌گذرانند. البته در حال حاضر هم مردم با مشکلاتی به ویژه در حوزه اقتصاد مواجه هستند ولی نباید از خدمات ارزنده‌ای که در طول ۴۰ سال گذشته صورت گرفته چشم‌پوشی کرد.

وی به لایحه بودجه شهرداری اشاره کرد و گفت: باید به سمتی پیش برویم که بودجه مصوب به بودجه‌ای که در نهایت محقق می‌شود نزدیک شود.

عضو شورای شهر بیان کرد: شهرداری باید در حوزه انسانی، مالی و اعتباری و... به نظم و انسجام مشخصی برسد تا بتوان برای دستیابی به اهداف مدیریت شهری گام‌های جدی تری برداشت.

این مسئول به کمبود پارکینگ در شهر اشاره کرد و گفت: در شرایط فعلی کلانشهر کرج به حدود هزار پارکینگ نیاز دارد تا بخشی از مشکل ترافیک شهر رفع شود. هوشمندسازی ترافیک یکی دیگر از راهکارهای تسهیل در تردد خودروهاست که باید به صورت جدی تری در دستور کار قرار بگیرد.

نایب رئیس شورای شهر کرج گفت: برای توسعه شهر باید اجرای پروژه‌های محلی و منطقه‌ای را مورد توجه قرار داد و فقط روی پروژه‌هایی مثل مترو و کمربند شمالی متمرکز نشد.

محمد رضا فلاح نژاد:

## اشتغال روستایی نظر آباد با اعتبار ۵۲۰ میلیارد ریالی رونق گرفت

محمد رضا فلاح نژاد روز یکشنبه در آئین گشایش پروژه‌های عمرانی و تولیدی شهرستان نظرآباد که با حضور استاندار البرز برگزار شد، افزود: این شهرستان طی یک سال گذشته در زمینه رونق اشتغال روستایی رتبه برتر استان را به خود اختصاص داده است.

وی ادامه داد: اکنون این شهرستان در بخش پرورش دام سنگین رتبه نخست کشور را به دست آورده و تعداد دام‌های سنگین این شهرستان از ۲۰ استان بیشتر است. فرماندار نظرآباد با اشاره به رونق کشت و کار در این شهرستان افزود: ۷۰ درصد زعفران استان البرز در نظرآباد کشت می‌شود.

فلاح نژاد با بیان اینکه آثار باستانی و طبیعت بکر از ظرفیت‌های مهم گردشگری در این شهرستان است، گفت: تپه ازبکی با جاذبه بی‌بدیل گردشگری، ظرفیت مهمی در کشور به شمار می‌رود.

وی از تالاب صالحیه، فرودگاه آزادی و منطقه نجمیه به عنوان دیگر ظرفیت‌های گردشگری شهرستان نظرآباد نام برد.

فرماندار نظرآباد با اشاره به گشایش ۱۲۰ پروژه عمرانی ویژه دهه مبارک فجر در این شهرستان گفت: از این تعداد ۸۵ پروژه توسط بخش خصوصی و ۳۵ پروژه توسط بخش دولتی با اعتبار ۱۶ هزار و ۵۰۰ ریال اجرا شد. نظرآباد واقع در ۴۵ کیلومتری غرب کرج مرکز استان البرز سال ۱۳۸۱ به شهرستان تبدیل شده است.

حناجی:

## اشتغال روستایی نظر آباد با اعتبار ۵۲۰ میلیارد ریالی رونق گرفت



شهردار تهران گفت: اخذ عوارض از محدوده زوج و فرد از تابستان سال ۹۸ آغاز می‌شود.

به گزارش «دنیای هوادار»، پیروز حناچی شهردار تهران در حاشیه جلسه علنی امروز شورای شهر گفت: بر اساس قولی که به شورای شهر داده بودیم امروز لایحه بودجه را تقدیم شورا کردیم.

وی با بیان اینکه ۹ درصد سقف بودجه شهرداری افزایش پیدا کرده است، گفت: ۱۸ هزار و ۹۳۰ میلیارد تومان بودجه سال ۹۸ شهرداری تهران بوده است.

شهردار تهران با بیان اینکه بودجه حمل و نقل عمومی نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است، گفت: با دست خالی کار می‌کنیم.

حناجی با اشاره به اینکه روزانه ۲ میلیون سفر در حوزه حمل‌ونقل عمومی انجام می‌شود، گفت: نقطه هدف ۷ میلیون نفر است و برای رسیدن به هدف حداقل باید ۲ هزار

واگن اضافه و ۳ هزار دستگاه اتوبوس وارد ناوگان شود.

وی در خصوص نحوه کمکرسانی دولت به شهرداری، گفت: کمک‌ها بیشتر از نوع فاینانس است. شهردار تهران در پاسخ به سوالی در خصوص میزان بدهی‌های دولت به شهرداری گفت: سازمان حسابرسی در حال بررسی است و تاکنون بالغ بر ۲۲۰۰ میلیارد تومان از دیون را تأیید کرده است.

حناجی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه شهرداری نتوانسته با بانک‌ها هماهنگی‌های لازم را انجام دهد به همین دلیل بخشی از اوراق مشارکت سوخت شد، گفت: به دلیل مشکلات بدهی‌ها بخشی از اوراق مشارکت سوخت شد در حال مذاکره هستیم برای سایر اوراق مشارکت.

وی درباره ساماندهی و یکسان سازی قبور شهدا گفت: برنامه خاصی نداشتیم و سیاست‌های اعلام شده توسط مقام معظم رهبری را تأمین می‌کنیم.

توسعه گردشگری نظرآباد:

## ثبت جهانی تپه «ازبکی» در دستور کار

می‌شود، در خصوص شهرک گلخانه‌ای چوپان آباد نیز امور در حال انجام است. فلاح نژاد با اشاره به پروژه‌های قابل افتتاح شهرستان نظرآباد ویژه دهه فجر، گفت: ۱۲۰ پروژه برای دهه فجر انتخاب شده که افتتاح می‌شود، از این تعداد ۳۵ پروژه دولتی و مابقی خصوصی هستند، اعتباری این پروژه‌ها هزار و ۶۵۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

وی به اقدامات انجام شده در ستاد تسهیل و رفع موانع تولید شهرستان اشاره کرد و گفت: در این کارگروه مشکلات ۹۰ واحد صنعتی بررسی و حل شده است.

فرماندار نظرآباد به برگزاری جشنواره شیر و کلزا در این شهرستان اشاره کرد و گفت: رتبه اول ایجاد اشتغال روستایی در البرز به شهرستان نظرآباد اختصاص دارد به گونه‌ای که ۵۲ میلیارد تومان از تسهیلات ۶ درصدی استان را جذب کرده‌ایم.

فلاح نژاد بیان کرد: برای نخستین بار نظرآباد عنوان شهرستان سبز استان البرز را از آن خود کرده است.

شهرستان تولید می‌شود. فرماندار نظرآباد در بخش دیگری به توسعه حوزه گردشگری در این شهرستان اشاره کرد و گفت: وجود تپه باستانی ازبکی یکی از ظرفیت‌های است که می‌توان به توسعه گردشگری کمک کند، اشیایی که در این محوطه کشف شده به دلیل نبود موزه در تهران نگهداری می‌شود.

فلاح نژاد در بخش دیگری اضافه کرد: کاوش‌های انجام شده در محوطه باستان ازبکی منجر به ثبت ملی این اثر شد، ثبت جهانی این اثر نیز در دستور کار است.

وی از کوه‌های رنگی و باغات سرسبز در روستای نجم‌آباد به‌عنوان دیگر ظرفیت‌های گردشگری این شهرستان یاد کرد و گفت: وجود تالاب صالحیه نیز می‌تواند به توسعه گردشگری کمک کند.

فرماندار نظرآباد در بخش دیگری به وجود دو شهرک مصوب در نظرآباد اشاره کرد و گفت: شهرک صنعتی نجم‌آباد در مراحل پایانی به سر می‌برد و عملیاتی اجرایی آن به‌زودی آغاز



اختصاص داده و رتبه نمونه استانی هم به این شهرستان اختصاص دارد. فرماندار نظرآباد اعلام کرد که تا سه ماه آینده همه روستاهای این شهرستان از نعمت گاز بهره‌مند می‌شود.

فلاح نژاد میزان دام سنگین در این شهرستان را از ۲۰ استان کشور بیشتر دانست، گفت: ۷۰ درصد زعفران استان البرز نیز در شهرستان نظرآباد تولید می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه بزرگ‌ترین دامداری کشور و یا به‌نوعی دامداری خاورمیانه در نظرآباد مستقر است، گفت: ۴ درصد شیر کشور در این

به گزارش «دنیای هوادار» محمد رضا فلاح نژاد صبح یکشنبه در جریان افتتاح پروژه‌های عمرانی و صنعتی شهرستان نظرآباد که با حضور استاندار همراه بود، اظهار کرد: نظرآباد سال ۸۲ از بخش به شهرستان ارتقا یافت، ۵۸۶ کیلومتر مربع وسعت دارد و جمعیت اش ۱۶۰ هزار نفر است.

وی با تأکید بر اینکه ۱۸ درصد از جمعیت شهرستان نظرآباد روستایی هستند، گفت: این شهرستان ۵۳ روستا و ۷۴ آبادی دارد، همچنین در حوزه دام‌پروری و کشاورزی سال‌ها است که رتبه اول کشوری را به خود

معاون حمل‌ونقل ترافیک شهرداری تهران:

## اخذ همزمان عوارض و جریمه در محدوده طرح ترافیک قانونی است

معاون حمل‌ونقل ترافیک شهرداری تهران تأکید کرد: اخذ عوارض و اخذ جریمه همزمان در محدوده طرح ترافیک و زوج و فرد قانونی است. محسن پورسیدآقایی معاون

در خصوص اخذ عوارض در محدوده زوج و فرد برگزار شد.

وی ادامه داد: در این جلسه تأکید شد که اخذ همزمان عوارض و جریمه قانونی است. در ماده ۸ مصوبه قبل ابهاماتی وجود داشت که آیا برای دریافت عوارض در محدوده زوج و فرد مبنایی وجود داشته یا خیر.

معاون حمل‌ونقل ترافیک شهرداری

تهران خطاب به علیخانی رئیس کمیسیون حمل‌ونقل شورا، گفت: اگر شما هم تأیید کنید در جلسه دیشب در این باره صحبت شد اینکه عوارض زوج و فرد مینا دارد یا خیر و قرار شد شورا در این باره نظر دهد. محمد علیخانی رئیس کمیسیون حمل‌ونقل شورای شهر، گفت: از همین حالا به بعد اخذ عوارض در محدوده زوج و فرد قانونی است.



نگاهی به «زهرمار» اثر «سید جواد رضویان»

امتیاز  
(۴ از ۵)

## بدتر از طعم زهرمار!

معضل های اجتماعی حرف بزنند و حتی یک مورد را هم از قلم نیندازند این است که برای محکم کاری آن موزیک ویدئو را هم به فیلم تحمیل کردند تا مساله ای جانمانند.

روی هم رفته، «زهرمار» در هیچ بخشی شانس برای دریافت سیمرغ یا حتی نامزدی ندارد مگر اینکه تیپ سازی سیامک انصاری یا شبتم مقدمی نظر داوران را جلب کرده باشد.

پول ديه را جور کند. اما اگر می خواهید بدانید که چرا این فیلم چنین ملغمه ایست، باید دلیلش را در موزیک ویدئویی جستجو کنید که در اواسط فیلم پخش می شود. به واسطه یک دی وی دی که از دستفروش خریداری شده و در ماشین آن چنانی حشمت گذاشته و پخش می شود، یک موزیک ویدئویی به تصویر در می آید. در این موزیک ویدئو، شاعر، خواننده و تصاویر از هر دو معضلی سخن می گویند. این دقیقاً معضلی است که فیلم گرفتارش است. رضویان و عباسی، دلشان می خواسته با زهرمار از همه

قرار دارد. پروتاگونیست ها و آنتاگونیست های کاملاً سفید و کاملاً سیاه. حشمت «زهرمار»، یک مداح فوق العاده درستکار است که نمی داند حتی «اینستاگرام» چیست و در کافه ای که دود فضا را گرفته باشد، احساس خفگی می کند! او مانند قهرمان فیلمفارسی ها، یکه و تنها به جنگ با «بابا» (رئیس لیلی) می رود و همه رو قلع و قمع می کند و چند قطره خون هم روی پیرهنش به جا می ماند و پس از شکست دادن آدم بدها، لنگ لنگان و تنها در شهر راه می افتد. در آخر هم طی نامه ای که لیلی برایش به جا گذاشته است، آن جمله «خیلی مردی» های فیلمفارسی ها هم ادا می شود و همه چیز به خوبی و خوشی به پایان می رسد و برادران زحمتکش نیروی انتظامی نیز، رهی را به سزای اعمالش می رسانند.

علاوه بر این ها، یک تم «انتقام و بخشش» نیز در فیلم میان رهی و حشمت وجود دارد. نویسنده به خودش زحمت نداده است که روی انگیزه این انتقام کمی بیشتر تامل کند و دلش به حال کاراکترهایش بسوزد. فکر می کنید رهی بخاطر چه اتفاقی در گذشته چنین انتقام سختی از حشمت می گیرد؟ شاید باورتان نشود اما این انتقام سخت، حاصل یک خبرچینی در دوران مدرسه است. رهی با خبرچینی حشمت از مدرسه اخراج شده و پس از آن به راه خلاف کشیده شده است و وضعیت امروزش را حاصل آن خبرچینی می داند. حالا خبرچینی بر سر چی؟ بر سر مجله های مستهجن! وجه فاجعه آمیز دیگر کاراکتر رهی که در انتها نیز روی هوا می ماند، همسر اوست که بخاطر ديه در زندان است و رهی این کار را مثلاً می کند تا

نخواهیم بود و سینما نیز در کنار جامعه به تعالی خواهد رسید. اما وقتی پس از چهل سال، فیلم هایی مانند «زهرمار» و «تیغ و ترمه» ساخته می شوند و بدتر از آن نظر هیئت انتخاب را هم جلب می کنند، نشان می دهد یک جای کار می لنگد. البته ناگفته نماند که همان فیلمفارسی های قبل انقلاب از فیلمفارسی هایی که در این سال ها در جشنواره میبینیم، صدها مرحله فیلم های بهتری هستند و حداقل در آن زمان ادعای روشنفکری نداشتند و زست اپوزیسیون نمی گرفتند. فیلم سید جواد رضویان به راحتی می توانست بدون حضور در جشنواره و تلف کردن وقت این رویداد، وارد چرخه اکران شود و احتمالاً با گریم سیامک انصاری و دیگر اتفاقات حاشیه ای، اکران موفقیت را هم پشت سر بگذارد. اولین اشتباه را صاحبان اثر کردند که زهرمار را به جشنواره دادند و اشتباه بزرگتر را هیئت انتخاب مرتکب شدند. دیگر با اکران فیلم، نمی توان انتظار داشت که اتفاقات حاشیه ای باعث فروش فیلم شود چرا که این فیلم یک بار در جشنواره فجر به نمایش در آمده و مردم تمام این هجمه ها علیه «زهرمار» را به خوبی رصد کرده اند و احتمالاً در زمان اکران، فیلم با اقبال بسیار کمتری نسبت به موقعیتی که اگر به جشنواره نمی دادند پیش می آمد، رو به رو خواهد شد.

«زهرمار» اصلی ترین مشکلش فیلمنامه است چرا که بقیه عوامل به خوبی دارند کارشان را انجام می دهند؛ از «تورج اصلانی» چیره دست نمی توان انتظار معجزه روی همچنین فیلمنامه ای داشت یا از «شبتم مقدمی» سیمرغ گرفته نباید انتظار داشت این دیالوگ ها را به گونه ای بگوید که آدم خنده اش نگیرد. فیلمنامه ای که «شهاب عباسی» نوشته است، کاملاً روی الگوی فیلم های قبل انقلاب

محمد حسین سیفی - پس از تماشای فیلم «تیغ و ترمه»، به نظر می رسد که قرار نیست دیگر در این جشنواره فیلمی ببینیم که درست متوجه علت حضور آن در سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر نشویم. اما شگفتی بزرگ روز چهارم، بی تردید تماشای فیلم «زهرمار» به کارگردانی «سید جواد رضویان»، تهیه کنندگی «جواد نوروزبیگی» و با بازی «سیامک انصاری» و «شبتم مقدمی» بود. فیلمی که در ایده آل ترین مدیوم می توانست یک فیلم تلویزیونی باشد و در بهترین حالت می بایست نه در جشنواره فجر، بلکه از شبکه های صدا و سیما مثل «آموزش» یا... پخش می شد. این از جاذبه های جشنواره فجر است که شما امکان دارد با فیلم هایی رو به رو شوید که اساساً هیچ جایگاهی در این رویداد ندارند جز خوردن حق فیلم های جا مانده.

«زهرمار» ماجرای یک روز از زندگی «حشمت» با بازی سیامک انصاری است که نقش یک مداحی را دارد که به تازگی کاندیدای شورای شهر تهران شده است. در این یک روز، «لیلی» که یک مواد فروش خرد است و نقشش را «شبتم مقدمی» بازی می کند، با توطئه چینی رهی (سیامک صفری) وارد خانه حشمت می شود و در خانه او مواد جاساز می کند. رهی تمام مواد ها را می دزدد و لیلی را با حشمت تنها می گذارد تا پول مواد ها را از حشمت بگیرد. حالا حشمت کاندیدای شورای شهر می ماند و اتهام رابطه نامشروع و خرید مواد مخدر.

کاری به پیرنگ، روایت و باقی قصه نداریم. همین چند خط از کلیت داستان، شما را یاد فیلمفارسی های قبل انقلاب نمی اندازد؟ ما خیال می کردیم که از برکات انقلاب اسلامی ایران این بوده است که دیگر شاهد آن فیلم های آبدوخیاری معروف به فیلمفارسی قبل از انقلاب





نگاهی به «قصر شیرین» اثر «رضا میرکریمی»

## بازگشت باشکوه میرکریمی



محمدحسین سیفی

امتیاز  
(۴ از ۳)

به دو دلیل؛ اول اینکه تعلیق فهمیدن یا نفهمیدن مرگ مادر توسط بچه‌ها برای مخاطب تا انتها بی‌پاسخ می‌ماند. دوم اینکه از مادر اطلاعاتی کلی داده می‌شود که بخش اعظمی از آن‌ها نیز آن چنان کارکردی ندارند.

با این همه، اگر از این یکی دو ایراد کوچک که در فیلمنامه دیده می‌شود چشم‌پوشی کنیم، با یکی از بهترین آثار جشنواره فجر رو به رو خواهیم بود. فیلمی که اجرای دقیقی در کارگردانی دارد و صحنه‌های طراحی شده در فیلمنامه از چنان پتانسیلی برخوردار است که این امکان را به رضا میرکریمی تا از میزانشن‌هایی که باید طراحی می‌کرده است، نهایت استفاده را ببرد و جای جای قابش را فکر شده ببندد. علاوه بر میزانشن، میرکریمی با توجه به بازیم پتانسیل خوب فیلمنامه، در هدایت بازیگر نیز شگفت‌انگیز عمل کرده و بهترین بازی‌ها را از «حامد بهداد» و آن دو کودک فیلم گرفته است. از اینها گذشته، برعکس خیلی از فیلم‌های امسال جشنواره، «قصر شیرین» فاقد هرگونه خودنمایی و ادا اطوار است که این مساله باعث شده تا در روایت قصه تأثیرگذارش کوچکترین لکنتی به فیلم راه ندهد و همه چیز با حوصله و درست روایت شود.

روی این حساب، به نظر می‌رسد که جشنواره موفق‌تری در انتظار «قصر شیرین» باشد و در بخش‌های متعددی بتواند نامزد شود. اما به نظر نگارنده، این فیلم از شناس‌های اصلی کسب سیمیرغ در بخش‌های «کارگردانی»، «بازیگری» به خصوص نقش اول مرد، «موسیقی متن»، «تدوین» و حتی بهترین فیلم است.

او را نسبت به ابتدای فیلم، تغییر داده باشد. اتفاقی که کاملاً درست، به موقع و اصولی در این فیلم نیز اتفاق می‌افتد و روند آن طی می‌شود و فیلم پر از صحنه‌های «شخصیت پردازانه» است که کاراکتر «جلال» را در قسمت‌هایی معرفی می‌کند و در قسمت‌های دیگر تغییرش را نشان می‌دهد. قصد نگارنده این نیست که فیلمنامه فیلم ایده آل است؛ نه. بلکه اگر ایرادی به فیلم وارد باشد اتفاقاً به فیلمنامه آن است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت اما مقصود این است که فیلمنامه نویسان اثر یعنی «محسن قرائی» و «محمد داوودی»، توانسته‌اند قواعد فیلمنامه نویسی جاده‌ای را به خوبی پیاده کنند و برای اولین بار در میان فیلم‌هایی که در این جشنواره دیده‌ام، یک «کاراکتر» درست خلق کنند.

تنها چیزی که فیلمنامه «قصر شیرین» از آن رنج می‌برد، دیر شروع شدن و مقدمه طولانی آن است. تا زمانی که جلال و بچه‌ها داخل جاده بیفتند و قصه سر و شکل بگیرد، ما زمان زیادی را داخل شهر صرف می‌کنیم تا کشمکش‌های جلال با خواهر زن، فتوحی و باجناقش را ببینیم که به راحتی می‌شد اطلاعات مورد نیاز را در یکی دو صحنه به مخاطب منتقل کرد و وارد قسمت‌های درخشان جاده‌ای فیلم شد که همه اتفاق‌ها قرار است آن‌جا بیفتند. به نظر می‌رسد فیلمنامه نویسان قصد داشتند که از «مقدمه» و «پیش‌داستان» چیزی کم نزنند و مخاطب را با آگاهی اندازه همراه جلال کنند اما متأسفانه در نهایت در این امر هم موفق نمی‌شوند و «شیرین» انطور که باید برای مخاطب ساخته نمی‌شود آن هم

جلال باز می‌گردد تا ماشین و مال و اموال شیرین را بردارد و برود با کس دیگری ازدواج کند و به همین دلیل نمی‌خواهد بچه‌های به جا مانده از شیرین را همراه خود کند اما طی فعل و انفعالی مجبور می‌شود که با بچه‌ها در کنار نامزد جدیدش این مسیر را تا مقصد سفر کند. رفته رفته و در طول سفر، جلال متوجه علاقه باقی مانده در قلبش به شیرین می‌شود که نتیجه آن طرد همسر جدید و نگهداری از فرزندانش می‌شود.

با خلاصه‌ای که گفته شد، احتمالاً متوجه شدید که فیلم حول یک «سفر» و در یک جاده اتفاق می‌افتد. جاده‌ای که مقصد آن به گفته بچه‌ها قرار است قصر پدر باشد اما از همان ابتدا نیز مشخص است که پدر قصری از خود ندارد و رفته رفته متوجه می‌شویم که این قصری که بچه‌ها از آن‌ها سخن می‌کنند، خیالاتی است که شیرین در ذهن آن‌ها از پدرشان بر جای گذاشته است و احتمالاً اسم فیلم نیز به همین دلیل «قصر شیرین» می‌باشد.

«قصر شیرین» جزو معدود فیلم‌های این جشنواره است که «ژانر» مشخصی دارد و به قواعد ژانری نیست تا حد زیادی وفادار می‌ماند. این فیلم اساساً یک درام جاده‌ایست که با قوانین آن ساخته و پرداخته شده است. مثل تمام فیلم‌های جاده‌ای دنیا که بر پایه یک «سفر» شکل می‌گیرند، شخصیت اصلی باید در طول این سفر دچار تغییر و تحولاتی شود و منحنی شخصیتی او اوج و فرود متعددی به خود ببیند و در نهایت این مسیر به یک تحول بزرگ و اساسی در کاراکترش منجر شود که

فیلمنامه‌های آن دو فیلم، دست و بال آقای کارگردان را برای ساختن فیلم‌های دلخواهش بسته بودند. اما حالا پس از دو فیلم ناموفق، بالاخره می‌توان گفت که «قصر شیرین» خیزش دوباره این کارگردان به سمت روزهای خوبش است. «قصر شیرین»، قصه جلال با بازی «حامد بهداد» است

که پس از قتل و افتادن در زندان بخاطر خیرچینی همسرش شیرین، پس از آزادی همسر و بچه‌هایش را ترک می‌کند و آن‌ها را تنها می‌گذارد. شیرین حالا بر اثر مرگ مغزی مرده است و

پس از دو تجربه جدید در سینمای «رضا میرکریمی» و نزدیک شدن او به ساختن فیلم‌های اجتماعی مملو از لوکیشن‌های داخلی، میرکریمی دوباره سراغ قصه‌ای رفته است که ساخت آن او را به دوران اوجش بازگردانده است. از سال ۸۹ و موفقیت چشم‌گیر «یک حبه قند» به بعد، میرکریمی دو فیلم دیگر نیز ساخته بود. «دختر» و «امروز»، فیلم‌هایی نبودند که هم مخاطبان و هم منتقدان از کارگردان «خیلی دور خیلی نزدیک»، «به همین سادگی» و «کودک و سرباز» انتظار داشته باشند. هم «دختر» و هم «امروز» با میرکریمی دوران اوج فاصله داشتند و به جرئت می‌توان گفت که





نگاهی به فیلم «ناگهان درخت»

## «دنیای شخصی» و «فضاسازی» یعنی این!

مهم هم نیست که اسم فیلم نامانوس و عجیب است. آخرین اثر صفی یزدانپان در مقام کارگردان یک سکانس دارد که به تنهایی به اندازه یک فیلم خوب می‌ارزد؛ جایی که فرهاد زندگی را بند همان لحظه ای می‌داند که هنگام خواب مادرش (با بازی درخشان بازیگری که اسمش را یادم رفته است) - با یک حرکت دوربین درست - به سراغش می‌رود تا از زنده بودن «زندگی اش» اطمینان یابد... این فیلم در بخش های بهترین فیلم، کارگردانی، فیلمنامه، فیلمبرداری، موسیقی متن، طراحی صحنه و لباس و تدوین شانس دریافت سیمرغ را دارد.

فرار از همه چیز است. این فرار را از ابتدا تا انتها با فرهاد دنبال می‌کنیم. از فرار از مدرسه در دوران کودکی تا هدف گذاری برای فرار از کشور، فرار از واقعیت پس از آزادی از زندان و فرار از پرسش های روانپزشکش. با دوربین و قاب های درخشان و کارگردانی حساب شده، ناگهان درخت یکی از دیدنی ترین فیلم های جشنواره امسال بوده است. فیلمی که در سینمای امروز ما نظیرش کم است. نه به جهت محتوا و خاص بودن، بلکه از نظر فرار از «سفارشی» و «ارگانی» بودنش. بخاطر بی ادعایی و بیان جهان شخصی از زبان فیلمساز که از دل برآمده و بر دل می‌نشیند.

با رگه ها و لایه های روانشناختی مهم. یزدانپان در تجربه اخیرش هم به شاعرانگی خوبی رسیده که در پس آن «فضاسازی» به معنای واقعی در خدمت فیلم شکل می‌گیرد. فضاسازی ای که ابتدا به سرنوشت بنفشه آفریقایی که به ادا و اطوار می‌ماند دچار نمی‌شود. کمی پراکنده گویی و عدم انسجام به خصوص در میانه فیلم دیده می‌شود اما آدم هایش به ویژه کاراکتر فرهاد (پیمان معادی) - که البته شباهت هایی هم به فرهاد فیلم قبلی دارد - ملموس اند. او که به نقل از مادرش همیشه هرکاری می‌کند تا هیچ کاری نکند! و به تعریف خودش همیشه از ترس برای



امتیاز  
(۳ از ۴)

در ادامه روند فیلمسازی صفی یزدانپان و پس از تجربه شاهکار در دنیای تو ساعت چند است این بار به ناگهان درخت می‌رسیم. همان حس و حال. باز هم شمال. باز هم موسیقی و باز هم انسان، روابط، نوستالژی. یک فیلم



مهدی تیموری



نگاهی به فیلم «روزهای نارنجی»

## دوربین روی دست کاملاً بی کار کرد!

چه کاربردی؟ ما پشت سر بازیگر را به وضوح ببینیم که مثلاً به درونش راه پیدا کنیم؟ ۳- آرش لاهوتی آنقدر به مردانگی شخصیت اصلی (هدیه تهرانی) بها داده که فیلم ضد مرد شده است. مردها در فیلم یابد هستند (کاکلم / مهران احمدی) یا هوس باز (یعقوب / رضا استادی) یا منفعل و بی خاصیت (مجید / علی مصفا) تا حدی که ساکس را جمع می‌کند که مثلاً به نشانه قهر خانه را ترک کند. بازگشتش به جمع خانواده هم شاید بیشتر به خاطر عذاب وجدان باشد تا تحول.

اضطراب مورد نظر کارگردان منتقل نمی‌شود. اضطراب با نمای مدیوم چند باره از باغ رنگی پرتقال، منتقل نمی‌شود. در طول فیلم حتی یک نمای ثابت ندیدم. دوربین روی دست نه تنها در این فیلم در هیچ یک از نماهایش کارکردی ندارد، بلکه فیلمبردار با پن و تیلت های بی مورد، کار تدوین گر را راحت و زحمت کارگردان را هم به دوش کشیده است. ۲- در فیلم در چند جا دوربین بازیگر را از پشت سر قاب گرفته و از یک گراند به پشت سر بازیگر فوکوس می‌کند. به چه دلیل؟ با



احمد شاهموند

۱- والا به پیر به پیغمبر دوربین روی دست، تعریف دارد. وقتی شخصیت پردازی و بازی ضعیف هدیه تهرانی نتوانسته اضطراب را بیرونی کند، با تکان های سرسام آور دوربین،



امتیاز  
(۰.۵ از ۴)



نگاهی به فیلم «سمفونی نهم»

## ایده خوبی که به ثمر نشست!

بزرگی بوده که به فیلم آسیب زده است. در مجموع سمفونی نهم نتوانست نظر مخاطبان حاضر در سالن جشنواره را جلب نماید که بخشی از آن با تدوین مجدد در زمان اکران، خصوصاً جابجایی اپیزود اول که فیلم با آن آغاز می‌شود، با اولین سکانس های زمان حال در بهشت زهرا و سفر ساره بیات، احتمالاً ریتم بهتر و سیر منطقی تری پیدا می‌کند. / نوشته توحید بختیاری از سایت سینما سینما

هنرمند سعی داشته روایتی متفاوت از عشق را به تصویر بکشد که بنظر می‌رسد در بیان آن موفق نبوده است. خرده داستان های فیلم مثل قاتل فراری نیز از میانه کار رها می‌شوند و کارکرد دراماتیک ندارند. همزمان با روایت فیلم در بستر زمان حال، اپیزودهایی از گذشته نیز روایت می‌شود که در پوستر فیلم عکس هایی از این اپیزودها آمده است. اما شروع فیلم با یکی از این اپیزودها، اشتباه

نژاد بازی در این فیلم را پذیرفته اند. اما این ایده نتوانسته در اجرا جان بگیرد و اثری قابل توجه خلق شود. خصوصاً در ۲۰ دقیقه اول فیلم نه تنها قصه آغاز نمیشود، بلکه حتی تماشاگر نمیداند موضوع فیلم چیست و در چه بستر زمانی روایت می‌شود! با حضور حمید فرخ نژاد در مسیر سفر ساره بیات، فیلم جان میگیرد و مخاطب با قصه همراه شده و متوجه می‌شود با فیلمی با تم کمدی فانتزی مواجه است!



ملک الموت با انسان ایده ای تکراری، اما جذاب است. خصوصاً زاویه نگاه نویسنده به این ایده تکراری، نو و جدید است. بی شک به دلیل این ایده جذاب است که بازیگرانی چون ساره بیات و حمید فرخ

سمفونی نهم جدیدترین اثر محمدرضا هنرمند است که ۱۶ سال بعد از آخرین فیلم او (عزیزم من کوک نیستیم) ساخته شده است. ایده فیلمنامه سمفونی نهم یعنی تقابل



برای دانلود فایل پی دی اف همه شماره های

روزنامه به سایت «دنیای هوادار» مراجعه کنید

www.DonyayeHavadar.ir

تهران: ۷۴۴۹۶-۰۲۱  
ایبز: ۳۵۶۹-۰۲۶

## نشست خبری فیلم «ناگهان درخت»؛

## صفي یزدانیان: سینما برای من تند و کند ندارد!



شده «اگر» نگویم. من فیلم را به عنوان اثر تمام شده می‌بینم. ما هیچ‌وقت به یک نقاشی نمی‌گوییم آبی را در صورتی می‌زدی بهتر می‌شد. چرا همه هنرها به عنوان اثر تمام شده پذیرفته می‌شوند، اما در مورد سینما اینطور است؟! نکته این است که سینما برای من تند و کند ندارد. این فیلم باید با ریتمی می‌آمد و تمام می‌شد.

گروه باشند. اول برای بازی به من این نقش پیشنهاد شد من فیلمنامه را دوست داشتم، چون جنس سینمای من بود و همه می‌دانند اگر نقشی جنس سینمای من نباشد بازی نمی‌کنم. یزدانیان در پاسخ به این سوال که فیلم را می‌شد در زمان کمتری تمام کرد گفت: من چیزی را از آقای گلمکانی یاد گرفتم و آن این است که به فیلم تمام

هم دارد. معادی به طنز به یزدانیان گفت: دروغ گفتم. می‌خواستیم در فیلمت بازی کنم. پیمان معادی در سوالي درباره اینکه این فیلم به نظر یک فیلم هنری می‌رسد و باید در گروه هنر و تجربه اکران شود و شاید برای این از مهناز افشار استفاده کردید که در اکران عمومی هم موفق باشید، گفت: بدون شک انتخاب خانم افشار انتخاب آقای یزدانیان بوده. قبل از هر چیز بگویم روزی که ما با صفي لیست عوامل را نوشتیم لیست فوق العاده ای بود، آقای پایور، آقای شهزادی، آقای رضای و دیگران اسم‌هایی بودند که من فقط باید تلاش می‌کردم در

صفي یزدانیان با ابراز خوشحالی از حضورش در نشست پرسش و پاسخ جشنواره فیلم فجر گفت: من به اتکالی کارنامه نوشتاریم اینجا را خانه اصلی خودم می‌دانم. فکر می‌کنم تماشاگر از اینجا و از چیزهایی که درباره فیلم نوشته می‌شود، شروع به جدی دیدن فیلم می‌کند. یزدانیان درباره نگاه دوباره به رشت در این فیلمش گفت: مساله این است که من نگاهی به رشت در این فیلم داشتم که هیچ ارتباطی به فیلم قبلی دیگر من ندارد. فکر می‌کنم دارم با تماشاگران خودم کدهایی را ردوبدل می‌کنم. یکی از دلایلی که با پیمان کار کردیم این است که او یک رگ رشتی

پیمان معادی گفت: اساسا فیلم‌نامه‌ای که نیاز به کار کردن داشته باشد حتی برای بازی هم نمی‌پذیرم. به گزارش ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، نشست فیلم «ناگهان درخت» با حضور عوامل فیلم، صفي یزدانیان (کارگردان)، پیمان معادی (تهیه کننده و بازیگر)، مهرباب قاسم‌خانی، مهناز افشار، زهره عباسی، شقایق دهقان (بازیگران)، همایون پایور (مدیر فیلمبرداری)، کریستف رضایی (آهنگساز)، ایرج شهزادی (صداگذار)، محمد لطفعلی (طراح جلوه‌های بصری) و اجرای منصور ضابطیان در دومین روز جشنواره فیلم فجر برگزار شد.

## نشست خبری فیلم «قصر شیرین»؛

## رضامیر کریمی: این فیلم در بهترین نقطه تمام شد

سال است که در مورد فضا سازی‌هایی که در مورد فیلم ما همه با هم هستیم، سکوت کردم اما باید بگویم که قصه اصلا این گونه نیست که می‌گفتند. قصه این گونه است که یک جریان محدود، ۱۰-۱۵ سال است که سینما را در اختیار خود گرفته است و با ساختن فیلم‌های سخیف و در اختیار گرفتن چرخه اکران کار می‌کند. آنان هر زمان که فکر می‌کنند که خطری آنان را تهدید می‌کنند، با تهمت زدن سعی می‌کنند تا آن روند را متوقف کنند. فیلم همه ما با هم هستیم هنوز اکران نشده است اما می‌بینید که چه فیلم متفاوتی در حوزه کمدی است.

اگر از این نقطه به بعد، فیلم ادامه پیدا می‌کرد، دیگر ارزشی نداشت. او در مورد انتخاب بازیگران خود گفت: باید حقیقتی را بگویم و این است که حامد بهداد، انتخاب اول من نبود. قرار با بازیگر دیگری داشتم. البته این آرزو را داشتم که روزی با او کار کنم اما فکر می‌کردم که حامد مناسب این نقش نیست. مدتی را هم با آن بازیگر تصویربرداری داشتیم اما در نهایت نتوانستیم ادامه بدهیم. رضا میرکریمی در پاسخ به سوالي مبنی بر مقایسه هزینه ساخت این فیلم با کار دیگر او، «ما همه با هم هستیم»، گفت: پاس گل بسیار خوبی به من دادید. یک

خود گفت: باید بگویم که لهجه با گویش متفاوت است. نویسنده و کارگردان این فیلم از من خواستند که لهجه ترکی نداشته باشم. میرکریمی در پاسخ به سوالي در مورد پایان باز چند فیلم اخیر خود بیان داشت: به نظرم این گونه نیست و نمی‌دانم باید چه می‌کردیم. در فیلم دختر، می‌بینیم که پدر به دختر می‌رسد و در کش می‌کند. در این فیلم نیز بهتر است که کالبد شکافی نکنم اما به نظرم این فیلم در بهترین نقطه تمام شد. دقیقا فیلم به جایی برمی‌گردد که آغاز شده است. ماجرای تصادفی که باعث خراب شدن زندگی آنان شده بود.



حالی که مادرشان فوت کرده است. این ایده قبل از فیلم دختر در ذهن من شکل گرفته بود و چند بار خیز برداشته بودم که آن را بنویسم اما بنا بر دلایلی هر بار کنار گذاشته شد تا این که سال گذشته و با کمک محسن قرائی و محمد داودی، نوشتن فیلم‌نامه را به اتمام رساندیم. در ادامه حامد بهداد، در مورد گویش

نشست خبری فیلم سینمایی «قصر شیرین» با حضور عوامل این فیلم و بازیگران در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. در این نشست، رضا میرکریمی در مورد ایده اصلی ساخت این فیلم گفت: ایده اصلی این فیلم، پدری بود که بعد از مدت‌ها، در فرزندش را ملاقات می‌کند در

## نشست خبری فیلم «سمفونی نهم»؛

## محمدرضا هنرمند: دلم می‌خواست تجربه‌ای جدید در سینما داشته باشم



من طی این فیلم فهمیدم که عزرا بیل یک دانه است و کارگزاران زیادی دارد به اسم ملک الموت که من یکی از آن‌ها بودم. هنرمند در مورد جنجال‌های احتمالی ای که برای فیلمش بخاطر پرداختن به مسائل دینی پیش خواهد آمد گفت: من هم مثل شما از ممیزی‌های ارشاد آگاهم و امیدوارم که این اتفاق نیفتد و فیلم به مشکلی نخورد. من تلاش کردم که از کنار این خط قرمزها سر بخورم و رد بشوم.

فیلمش با خون گفت: مضمون فیلم با مرگ و عشق درآمیخته است که خون در هر دو نقش مهمی دارد. حمید فرخ نژاد هم در مورد نقش خود در این فیلم گفت: این که شما نقشی را بازی کنی که ما به ازای واقعی ندارد بسیار سخت است. شخصیتی که نباید هیچ حسی به هیچ چیزی داشته باشد و باید روند زمینی شدن این شخصیت ماورایی خیلی ریز و ظریف به تصویر گرفته شود.

سمفونی نهم بتهوون همه جا به عنوان سمفونی مرگ شناخته می‌شود. با این حال نمی‌خواستیم اسم فیلم سمفونی مرگ باشد.

زینب تقوایی، تهیه کننده فیلم هم در بخش دیگری از این نشست در مورد ریسکس برای سرمایه گذاری در چنین فیلمی با توجه به علاقه مردم به ژانرهای کمدی و درام گفت: من می‌دانستم که ساخت فیلمنامه سمفونی نهم بسیار سخت است. من می‌توانستم به سمت گیشه بروم اما با انتخاب خودم به سمت این کار رفتم که بتوانم با افتخار در کنارش بایستم. محمدرضا هنرمند در مورد شروع و آغاز

زاده (صدابردار) مجید اسکندری (گریم) و مشکین مهرگان (طراح صحنه و لباس) و منصور ضابطیان به عنوان مجری در پردیس سینمایی ملت برگزار شد.

هنرمند در پاسخ به سوالي در مورد بررسی چند داستان اساطیری عاشقانه برای ساخت این فیلم، گفت: دلم می‌خواست که تجربه‌ای جدید در سینما داشته باشم. تجربه ای جدید در مضامین و ساختار داشته باشم. دوست داشتم کار نوبی در سینمای ایران به جا بگذارم. هنرمند در مورد اسم فیلم گفت: این فیلم نهم من است بخاطر همین اسم این فیلم را سمفونی نهم گذاشتم. ضمن اینکه

هنرمند در مورد جنجال‌های احتمالی ای که برای فیلمش بخاطر پرداختن به مسائل دینی پیش خواهد آمد گفت: من هم مثل شما از ممیزی‌های ارشاد آگاهم و امیدوارم که این اتفاق نیفتد.

به گزارش ستاد خبری سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر، نشست خبری فیلم «سمفونی نهم» با حضور محمدرضا هنرمند (کارگردان)، حمید فرخ نژاد، ساره بیات، پیمان باغی، مهرداد صدیقیان، هدی زین العابدین و علیرضا کمالی (بازیگر) زینب تقوایی (تهیه کننده) حامد افضل (نویسنده) هومن بهمنش (مدیر فیلمبرداری)، امین هنرمند (آهنگساز) مهدی ابراهیم

## نشست خبری فیلم «مسخره باز»؛

## همایون غنی زاده: چندپارگی فیلمنامه انتخاب من بود!



کنم از آن بجهم، اما گاهی نمی توانم چون این تشابه در وجود من است. من اصلا قصد نداشتم که بیننده یاد «می سی سی پی...» بیفتد و فرض هم این بود که خیلی از تماشاگران این تئاتر را ندیده اند. با این حال اگر تشابه و تکراری در فیلم وجود دارد این ضعف از من است. من همیشه دوست دارم در کارهایم نوآوری داشته باشم.

سی پی نشسته می میرد و لزوم ساخت فیلم مسخره باز گفت: وقتی از لزوم ساخت فیلم حرف می زنیم یعنی چندان موافق ساخت چنین فیلمی نیستیم. من تلاش کردم این فیلم از تئاتر «می سی سی پی...» بهتر بشود. وقتی من کارگردان آن اثر بودم و حالا کارگردان یک اثر سینمایی می شوم، در دام یک شباهتی می افتم که تلاش می

فیلمنامه گفت: با چندپارگی فیلم نامه موافق هستیم. البته که این چندپارگی انتخاب بنده بوده است. این نکته درست است. علی مصفا، تهیه کننده فیلم در مورد برنامه‌ای که برای خوب اکران شدن و دیده شدن فیلم مسخره باز دارد گفت: این کار از دست من خارج است و کاری است که خود فیلم باید آن را برعهده داشته باشد. با توجه به بازخورد خوبی که از اکران این فیلم دریافت کرده‌ام چندان نگران این مورد نیستم چون فکر می‌کنم فیلم این قابلیت را دارد. غنی‌زاده در مورد احتمال تکرار موفقیتش در سینما بعد از موفقیت در تئاتر «می سی

علی قاضی (مدیر فیلمبرداری)، آرش اتابک (جلوه های ویژه میدانی)، نازنین گودرزی (دستیار کارگردان) و با حضور احسان کرمی مجری برگزار شد. علی مصفا تهیه کننده فیلم در ابتدا گفت: من در ابتدا می خواهم بگویم که چقدر متأسفم از اینکه آقای نصیریان به دلیل فوت همسرشان همراه ما نیستند. به این فکر می‌کردیم که این جلسه را برگزار نکنیم و در آن شرکت نکنیم. اما در نهایت تصمیم گرفتیم به خاطر قول و قراری که داشتیم در این نشست حاضر شدیم. غنی زاده در پاسخ به سوالی در مورد

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «مسخره باز» به کارگردانی همایون غنی زاده شنبه سیزدهم بهمن ماه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. به گزارش ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، نشست خبری فیلم «مسخره باز» با حضور همایون غنی‌زاده (کارگردان)، صابر ابر (بازیگر)، فرزاد جلالی (بازیگر خردسال)، علی مصفا (تهیه کننده)، محمدرضا غنی‌زاده (موسیقی)، محمود کاشانی (صدابردار)، سهیل دانش اشراقی (طراح صحنه)، جواد مطوری (جلوه های ویژه)، ماهان حیدری (مجری طرح)،

## نشست خبری فیلم «روزهای نارنجی»؛

## آرش لاهوتی: واکنش های کاراکتر مرد کاملاطبیعی است



بیاید. برای من نقش جذابی بود. چو برای خیلی‌ها پذیرفتن این نقش ها سخت است. ولی برای من جذاب بود که این کاراکتر منفعلی که مرد عمل نیست را ایفا کنم. جدا از این خود قصه فیلم هم در کنار قصه هایی که در این روزها می خواندیم و سعی می کردند یک خطوط از پیش تعیین شده ای را دنبال کنند که قبلا جایزه هم گرفته، قصه جدیدی بود. سومین دلیل هم تصویری بود که این فیلم از زن ایرانی می داد و برای من جذاب بود. چون در مقایسه خیلی از فیلم هایی که زن ایرانی را زن تحت ظلم و کتک خور نشان می دهد، جالب بود.

در نهایت فیلم منجی و قهرمان می شود گفت: فکر نمی‌کنم شخصیت مجید یک کاراکتر سوپر قهرمان شد. به نظرم مجید زمان کمی در پیش دارد که تصمیم بگیرد که آیا به آبان کمک کند یا نه. این یک پروسه چندین ساله نیست و فقط باید در دو سه روز این تصمیم را بگیرد و این به نظرم یک واکنش کاملاطبیعی است. علی مصفا هم درباره پذیرفتن نقشی که در این فیلم ایفا کرده گفت: فیلمنامه خیلی جذاب بود. چند بار با هم صحبت کردیم من گرفتار بودم و نمی توانستم. خانم تهرانی خیلی فیلمنامه را دوست داشت و من را ترغیب کرد سر این کار

سوال گفت: در این فیلم دوربین روی دست طبیعتا عمدی بوده. اجازه بدهید درباره دلیل این اتفاق من توضیح ندهم. دنبال یک روش دوربین روی دست نوین نیستیم. این روش در تاریخ دنیا بی سابقه نیست. شاید در ایران کمتر دیده شده است. احساس کردیم دوربین هم می تواند اضطراب و غلبان درونی کاراکتر را راحت تر توضیح دهد. آرش لاهوتی نویسنده و کارگردان «روزهای نارنجی» در ابتدای نشست پرسش و پاسخ پس از نمایش این فیلم در سینمای رسانه در پاسخ به سوالی درباره اینکه چطور یک شخصیت منفعل

(مدیر فیلمبرداری)، کریستف رضاعی (آهنگساز)، فاضل ژبان (طراح صحنه و لباس)، شهرام خلج (طراح گریم) و با اجرای احسان کرمی در چهارمین روز جشنواره فیلم فجر برگزار شد. اولین سوال نشست خبری «روزهای نارنجی» از مدیر فیلمبرداری پرسیده شد. خبرنگاری پرسید چرا تمام پلان های فیلم با شیوه دوربین روی دست گرفته شده است. فرشاد محمدی در پاسخ به این

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «روزهای نارنجی» در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. به گزارش ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، نشست خبری فیلم «روزهای نارنجی» با حضور آرش لاهوتی (کارگردان) و فیلم‌نامه‌نویس، علی مصفا، ژیل شاهی، صدف عسگری (بازیگران)، علیرضا قاسم‌خان (تهیه کننده)، شهنام شهباززاده (مجری طرح)، فرشاد محمدی

## نشست خبری فیلم «زهرمار»؛

## جواد رضویان: بی رحمانه نقد کنید تا پیشرفت کنم!



بیان کرد: فکر می‌کنم بعد از این فیلم هم در فیلم دیگری بازی کردند. نوروزبیک دربار هزینه ساخت فیلم گفت: هزینه تولید این فیلم حدود دو میلیارد و ششصد میلیون تومان شده است. سیامک انصاری در پاسخ به سوالی در مورد ایفای نقشی متفاوت در این فیلم گفت: من خیلی با جواد رضویان تمرین داشتم. خیلی تلاش کردیم روی لحن و حرکات کار کنیم و در کل خیلی سختی کشیدیم.

او درباره نحوه انتخاب بازیگران این فیلم، گفت: اولین و آخرین انتخاب ما آقای انصاری بودند. گزینه‌های دیگری هم بودند، گپ‌هایی هم زده شد. به واسطه تغییر سرمایه‌گذاری که برای من اتفاق افتاد، همچنان روی آقای انصاری تاکید داشتم. خانم مقدمی هم از همان ابتدا اولین انتخابیم بود، چون می‌دانستم قدشان از آقای انصاری بلندتر است. رضویان درباره بازی زنده یاد محب اهری

اینطور به نظر نمی‌رسد، به خاطر من است. شبنم مقدمی هم درباره بازی‌اش در این فیلم گفت: من همیشه سعی می‌کنم نقش‌های متفاوت انتخاب کنم. نوروزبیک درباره پاسخ به این سوال که «چقدر با توجه به اینکه برادر تان مداح است انتظار بروز واکنش از سوی جامعه مداحان را دارید و آیا مداحی تاکنون فیلم را دیده یا نه؟»، گفت: حساسیت من و آقا جواد بیشتر بود. بازتاب‌ها را که می‌بینم، برادر خود من هم دیدند. نقدی شده بود به آن‌ها که اگر یک مداح در این موقعیت قرار بگیرد، چه کاری انجام می‌دهد. آیا می‌تواند از پس آن بر بیاید؟

در ابتدای این نشست، جواد رضویان ضمن تشکر از خبرنگاران و عکاسان گفت: من تازه وارد این عرصه شدم، بی‌رحمانه مرا نقد کنید اما جانب انصاف را نگهدارید. پیمان عباسی، نویسنده هم در پاسخ به این سوال که آیا این فیلم را کمیدی می‌دانید، گفت: «زهرمار» کمیدی نیست، قصه کاملا اجتماعی دارد و معضل مواد مخدری را به همین شکل که دیدید نشان می‌دهد. رضویان در پاسخ به این سوال که فکر نمی‌کنید ساخت فیلم‌های ضد ارزشی به سبک دهه ۸۰ تمام شده است بیان کرد: من اعتقاد ندارم «زهرمار» ضد ارزشی است. اتفاقا به ارزش‌های بسیاری توجه دارد. اما اگر

جواد رضویان در نشست پرسش و پاسخ فیلم «زهرمار» در سینمای رسانه گفت: من تازه وارد این عرصه شدم، بی‌رحمانه مرا نقد کنید اما جانب انصاف را نگهدارید. به گزارش ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، نشست خبری فیلم «زهرمار» با حضور جواد نوروزبیک (تهیه کننده)، سید جواد رضویان (کارگردان)، سیامک انصاری، شبنم مقدمی (بازیگران)، ثنا نوروزبیک (طراح لباس)، پیمان عباسی (نویسنده)، عبدالله اسکندری (گریمور)، رضا خسروی (آهنگساز)، محمود خرسند (صدانگاز) و با اجرای احسان کرمی در چهارمین روز جشنواره فیلم فجر برگزار شد.



نگاهی به «مسخره باز» اثر «همایون غنی‌زاده»

امتیاز  
(۳ از ۴)

## لنگه کفش در بیابان فانتزی

برجسته‌ی دیگری است که کمتر در سینمای ایران به آن اهمیت داده می‌شود و از این رو نگاه نوینی که غنی‌زاده را در پیوند بین سینما و تئاتر بیش از پیش موفق ساخته، بر ما آشکار می‌شود.

اگر اتفاق خاصی نیفتد باید منتظر کاندید شدن فیلم در بسیاری از بخش‌ها باشیم. چه بسا مسخره‌باز بتواند رکورد خارق‌العاده‌ای از خود به ثبت برساند؛ چرا که فیلم در بسیاری از جنبه‌های تکنیکی در سطح بسیار بالایی قرار دارد. به گمانم شانس جایزه بردن توسط «سهیل دانش» برای طراحی صحنه، «هایده صفی‌یاری» برای تدوین، «علی قاضی» برای تصویربرداری و «علی نصیریان» برای بازیگری بسیار بالاست.



کارآمد در خود جای داده است، تجربه ای ارزشمند و کمتر دیده شده‌ای است که به نظر می‌رسد از دنیای تئاتر به ذهن فیلمساز رسیده باشد. کارکرد ویژه‌ی هر شی در صحنه اهمیت دارد. از جفت کمدهای چوبی کنار اتاق، که در حکم جهان رویایی شاگرد سلمانی است گرفته، تا ماهی فلزی پنکه سقفی که دفع همه بدشگونی‌های جهان این سلمانی (نه آرایشگاه)، را به وجود خود وابسته می‌کند، همه و همه از کارکرد تماتیک و در عین حال سورئالی حکایت می‌کند، که ذهن مخاطب را به فرای واقعیتهایی که در برابر چشمانش قرار گرفته، دلالت می‌دهد.

اگر از کاستی‌های مسخره باز به عنوان یک تجربه متفاوت، عامدانه چشم پوشی کنیم، باید بگوییم که جذابیت‌های انیمیشن گونه در طراحی کاراکترهای اصلی فیلم، نیز از نکات

باز است. فانتزی و لحن سورئال، مهم ترین خصیصه این فیلم است که در کنار قابلیت‌های دنیای سی‌جی، آن را در جایگاه یک اثر آرتیستیک و پیشرو، اما متأسفانه خالی از بن‌مایه‌های قانون مند داستان پردازانه قرار می‌دهد. قاب‌هایی متقارن و تخت در مقایسه با قاب‌بندی‌های شلخته این رزوها می‌توان گفت که چشم‌نواز است که اکیدا در سینمای ایران تا به حال دیده نشده‌اند. علاوه بر میزانشن جذاب فیلم، فیلمنامه نیز با روایت یک موقعیت عجیب و کمیک، کم و بیش لحن فیلم را به سمت «گروتسک» پیش می‌برد هرچند چندان موفق عمل نمی‌کند. اگر این اثر را یک فیلم‌بین آمریکایی هم ببیند، آیا متوجه وجهه گروتسک آن می‌شود؟ بعید می‌دانم. در واقع، لحن گروتسک بسیار ضعیف فیلم، تنها در سینمای ایران است که اینقدر توانایی دیده شدن دارد. چرا که سینمای فعلی‌مان با حجم انبوه تولیدات اجتماعی و آپارتمانی خود باعث می‌شود که تمامی المان‌های مسخره‌باز - از نور و قاب‌بندی گرفته تا نوع بازی‌ها و لباس پوشیدن شخصیت‌ها - «عجیب» جلوه کنند. فیلم نیز با استفاده از این موقعیت به پیش می‌رود و کم و بیش خود را صاحب لحن گروتسک می‌یابد. فیلم به مدد موقعیت‌های تکرارشونده خود توانسته است یکی از عناصر گروتسک، لحن کمیک و خنده، را به خوبی بیافریند.

تصویر برداری در یک اتاق کوچک به عنوان تنها لوکیشن اصلی فیلم که بی‌مکانی و بی‌زمانی وقوع رخدادها را القا می‌کند، با طراحی صحنه بی‌نظیری، که همه ملزومات به کارگیری عناصر روایی و نمایشی را در حدی موجز و

سینما اجرا می‌کند. قصه‌ای (اگر بشود) برای آن اصلا خط داستانی قائل شد) سرشار از ارجاعات به سینما در کمال فانتزی و پوچ‌گرایی است. اجرای فیلم جسورانه، متفاوت و هیجان‌انگیز است. ده دقیقه اول فیلم غرق جهان فانتزی همایون غنی‌زاده می‌شود. آن ریتم تند و مکانیکی کاراکترها حیرت زده تان می‌کند. راوی که صابر ابر باشد بیهودگی جهان‌شان را بامزه روایت می‌کند و واقعا به خنده می‌افتد. اما بعد از آن ده دقیقه تا بیش از نیمی از فیلم در همان چرخه تکرار هستید و فیلم در ورطه ای می‌افتد که خودش در ابتدا آن را به خوبی بنا نهاده است. هرچند در «مسخره‌باز» به دلیل فضا و ساختاری که دارد اصلا قرار نیست که روی هیچ کاراکتری عمیق بشویم که این به جهان فیلم برمی‌گردد. مسخره باز با روایت شخصی یک شاگرد سلمانی یتیم از زندگیش شروع می‌شود، عشق به یک سوپر استار زن و سودای بازیگر شدن، دو بال نیرومند خیال پردازی‌های این شخصیت است. او از زندگی و حضورش در کنار دو شخصیت دیگر، یعنی پیرمرد چرتی و هجران کشیده‌ی صاحب سلمانی و همکار پرحرف و سیاسی کار کله شقش تعریف می‌کند.

کاری که غنی‌زاده در مسخره باز می‌کند، همان بُعد فراموش شده‌ای از جنون و فانتزی است که سالهاست جایش در سینمای ایران خالیست. قدرت تصویر برداری عجیب و دست نیافتنی «علی قاضی» به همراه جلوه‌های ویژه‌ی کامپیوتری که به خوبی بر پیکره فیلم نقش بسته که مثل اغلب فیلم‌های سینمای ایران وصله ناجور نیست و همین برگ برنده‌ی مسخره

ایمان عباسی - اندر احوال فیلم همین کافیسست که اساسا مسخره‌باز، اجتماعی نیست؛ اصلا، فیلم نه در زمان خاصی اتفاق می‌افتد و نه در جغرافیای خاصی. با یک فیلمی طرف هستیم که به شدت به درد سینمای ایران می‌خورد؛ علی‌رغم کاستی‌های فراوان آن. در جهانی از فیلم‌های محافظه‌کار، بدون فانتزی، سیاست زده و... «مسخره باز» یک غنیمت بسیار بزرگی است. فیلمی که کارگردانش با پدیده مهمی در سینما مثل «جسارت» غریبه نیست و خودش را محدود نمی‌کند. اگر چیزی در سر می‌پروراند، حداقل اجرای آن را امتحان می‌کند و به هوای سخت بودنش، کنار نمی‌گذارد. علاوه بر این، یادمان نرود ما تا همین چندسال پیش در گرفتن صحنه‌های تصادف از نظر «فنی» و «تکنیکی» ضعف‌های اساسی و گل درشتی داشتیم که مخاطب را به خنده وا میداشت. اما «مسخره باز» در ادامه حرکتی که سینمای ایران به سمت پیشرفت در تکنیک داشته نه تنها قدم گذاشته است بلکه آن را چندین مرحله جلو نیز برده است.

همایون غنی‌زاده یکی از کارگردان‌های نام‌آشنای تئاتر ایران است. او پیش از این نمایش‌هایی مانند «آگاممنون» و «ملکه زیبایی لی‌نین» و «در انتظار گودو» را روی صحنه برده است. یکی از نمایش‌های موفق این کارگردان، نمایش «سی سی سی پی» بود که در سال ۱۳۹۵ پس از ۵۰ اجرا به فروش دو میلیارد تومان رسید. این نمایش همچنان پرفروش‌ترین نمایش تئاتر ایران محسوب می‌شود. حالا این کارگردان خوش فکر، همان نمایش را (به لحاظ اجرایی و نه داستان) در

